

باز خوانی اعتراضات کارگران فرش غرب کرمانشاه در سال 87 - مصاحبه با بهزاد سهرابی

س: با سپاس از شما بهزاد سهرابی که پاسخ گوی پرسش های ما شدید. شما به عنوان یک فعال کارگری از نزدیک شاهد اعتراضات چندین ماهه کارگران فرش غرب کرمانشاه در سال 87 بودید و ارتباط مستمر و تنگاتنگی با این کارگران و نمایندگان شان داشتید.

اعتراضاتی که بالاخره در سال 88 نتایج مثبتی برای کارگران این کارخانه داشت. بدون شک بازخوانی این تجربه به نقل از شما، برای جنبش کارگری مفید خواهد بود و می تواند مورد استفاده کارگران قرار گیرد. از سوی دیگر همان طوری که هفته گذشته در خیرها آمده بود مدیریت کارخانه فرش غرب کرمانشاه، 80 نفر از کارگران قراردادی را اخراج و آنها را به اداره کار حواله داده است. این افراد در سال 88 و پس از راه اندازی مجدد کارخانه، به کار گمارده شده بودند، اما اکنون به بهانه هایی، عذرشان را خواسته اند. ما در ادامه به این موضوع برمی گردیم، اما پیش از آن و به عنوان اولین سنوال، برای خوانندگان ما از خواسته ها، دلایل و چگونگی شکل گیری اعتراضات کارگران فرش غرب کرمانشاه در سال 87 بگویید؟



ج: من هم به نوبه خود از شما بسیار سپاس گزارم که این امکان را فراهم نمودید که در این ارتباط به گفتگو بپردازیم.

ابتدا باید نکته ای را یادآور شوم که بی ربط به موضوع بحث هم نیست. متأسفانه علی رغم این که جنبش کارگری ایران بهشکلی گسترده قدرت خود را در جامعه به نمایش گذاشته و با وجود تعداد بیشمار اعتراض ها و اعتصاب های کارگری، بسیاری از تجارب در سینه این فعالین می ماند و آنها نتوانسته اند آن را مکتوب کنند و با گذشت زمان نیزبخش وسیعی از این تجربیات به فراموشی سپرده می شود. به نظر من، این موضوع یکی از ایرادهای اساسی و بنیادی جنبش کارگری در ایران می باشد و باعث می شود که ما نتوانیم با رجوع به مستندات، به ارائه بحث بپردازیم و هر کسی از ظن خود و بر اساس درک و برداشتش از مسایل، دست به تحلیل جنبش بزند. هر چند دوستانی به خصوص در یک سال گذشته، گامهایی در انتقال تجارب مبارزات کارگری برداشته اند، اما تا رسیدن به مطلوب فاصله زیادی وجود دارد که امیدوارم موانع این مشکل رفع شود و ما هر چه بیشتر شاهد مرور تاریخ واقعی جنبش کارگری باشیم.

اما بر گردم به پاسخ سوال شما. کارخانه فرش غرب در 12 کیلومتری شهر کرمانشاه واقع شده و یکی از کارخانجات قدیمی در منطقه می باشد که در بدو تاسیس تحت پوشش نهادهای دولتی بوده است. کارگران این واحد تولیدی در سال های 81 و 82 به دلیل عدم پرداخت دستمزدها، حدود 6 ماه دست به اعتراض زدند. آنها در آن مقطع، جهت پیگیری و دریافت حقوق معوقه خود از مسیر کارخانه به سمت شهر کرمانشاه، به صورت راهپیمایی حرکت می کنند که بلافاصله توسط نیروهای یگان ویژه از حرکت آنها جلوگیری به عمل می آید و همه آنها را داخل اتوبوس می کنند و به کارخانه بازگردانده می شوند. در همان سال ها کارخانه با قیمتی بسیار نازل به شخصی که کارگران به نام "حاج آقا مشفق" نام

می بردند، فروخته می شود. این تغییرات در مالکیت، پیرو اصل 44 قانون اساسی توسط سرمایه داری و همسو با صندوق بین المللی پول و بانک جهانی صورت می گرفت که باید روند خصوصی سازی را اجرایی می کردند. اما به قول یکی از کارگران، " در ایران بیشتر خودمانی سازی بود! ". منظور این کارگر این بود که این تحولات، نه در اختیار کل سرمایه داران، بلکه در اختیار کسانی قرار می گرفت که به مرکز قدرت نزدیک تر باشند. ظاهراً " حاج آقا مشفق " یکی از این آقا زاده ها بود که دستی در قدرت داشت تا جایی که به گفته کارگران فرش غرب کرمانشاه پرداخت وجه بابت خرید کارخانه، از محل فروش محصولات انجام می گرفت !!.

این کارخانه در ابتدای تاسیس دارای 400 کارگر بوده که از سال 81 تا سال 1387 به 160 نفر تقلیل می یابد. دور دوم اعتراضات کارگران از مقطع 25 مهر ماه 1387 شروع شد که حدوداً 11 ماه به طول انجامید. شروع اعتراض به این دلیل بود که کارفرمای وقت، بدون هیچ پیش زمینه ای، کارخانه را تعطیل می کند. نیاز به کار، عدم دریافت چندین ماه دستمزد و عدم دریافت عیدی و بن سال 1386، باعث شد که کارگران در اسرع وقت و در کمترین زمان ممکن دست به ایجاد کمیته ای بزنند تا بتوانند کارگران را حول مطالبات سازماندهی کنند و اولین تجمع کارگران در 26 مهر 87 آغاز شد.

خواست اولیه کارگران با طرح شعار " کار جز لاینفک زندگی است "، باز گشایی و راه اندازی مجدد کارخانه بود و این اصلی ترین و مبرم ترین خواست اولیه کارگران در آن مقطع بود و در کنار آن، دریافت حقوق های معوقه و دیگر مطالبات خود را نیز طرح نمودند.

همین نیاز اولیه باعث شده بود که کارگران فرش غرب کرمانشاه با اتحاد و همبستگی وصف ناپذیری در کنار هم قرار گیرند و بتوانند از حقوق خود دفاع کنند. قطعاً نیاز به تامین معاش، برای هر انسانی از اولویت خاصی برخوردار است و بی شک، کسی بدون سرپناه و حداقل امکانات زیستی نمی تواند به زندگی خود ادامه دهد و همین نیاز اولیه در شرایط کنونی، یکی از دلایل مهم حضور کارگران در دفاع از مطالبات خود می باشد. باید این را پذیرفت که سطح پیشروی مبارزه کارگری نمی تواند بی تاثیر از مجموع عوامل و شرایط داخلی و جهانی باشد و پیشروی جنبش کارگری را باید در ظرف زمانی و مکانی خود مورد بررسی قرار داد. اما وجه مشترک اولیه تمامی اعتراض ها و اعتصاب های کارگری بر آمدی از نیازهای اقتصادی می باشد. به این اعتبار کارگران فرش کرمانشاه هم بر اساس درد مشترک مجبور بودند که در کنار یکدیگر و با هم، به مبارزه ای طولانی دست بزنند.

روند اعتراضات از همان روزهای اولیه شروع شد و تعدادی از کارگران که حساسیت بیشتری به موضوع داشتند به عبارت دقیق تر، بخشی از کارگران پیشرو بودند، در جریان اولین تجمع به عنوان نماینده از طرف آرای عمومی کارگران انتخاب شده و تا آنجا که به یاد دارم تعداد نمایندگان منتخب، 8 نفر بودند. این نمایندگان دستور کار خود را از جمع مشورتی کارگران می گرفتند. به این ترتیب که روزهای دوشنبه همه کارگران در محل کارخانه، جمع می شدند و ضمن شنیدن گزارش کار نمایندگان خود، دستور کار جدید را برای آنها تعیین می کردند. این رویکرد، کاملاً طبقاتی بود و با نگاهی از پائین و با دخالتگری کارگران، تمامی امور انجام می گرفت.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که فضای کلی حاکم بر جامعه ایران، فضایی توهم زا بوده و قطعاً طبقه کارگر نیز از این قاعده، مستثنا نیست. می خواهم بگویم که بخش های وسیعی از کارگران، هنوز به مانند بسیاری از آحاد جامعه، نسبت به نهادها و ارگان های سرمایه داری و مسئولین حکومتی توهم داشته و این امر، روند کار را در امر مبارزه و دستیابی به مطالبات، تا حدودی سنگین می کند. به این دلیل نمایندگان فرش غرب با توجه به شناخت از توانمندی مبارزاتی گذشته و حال کارگران، می بایستاز مکانیسمی استفاده می کردند که بتوانند بر اساس آن، دامنه اعتراض را گسترش دهند. همانطور که گفتم این روند کار را سنگین می کرد و از طرف دیگر زمان بیشتری را می طلبید تا کارگران شیوه مبارزه خود را تغییر دهند. با توجه به این مسئله، اقدام اولیه که در دستور کار نمایندگان قرار گرفت، نامه نگاری بود. هر چند همواره در جمع کارگران تشریح می شد که تمامی نهادها، ادارات و ارگان های ذی

رابطه، تنها به منفعت سرمایه و دولت توجه دارند، اما می‌بایست این امر به صورت عینی برای کارگران روشن می‌شد. بر این اساس اولین حرکتی که نمایندگان فرش غرب شروع کردند این بود که تمامی مکاتبات لازم را انجام دهند: از دفتر امام جمعه تا استانداری و اداره کار گرفته تا دفتر ریاست جمهوری. اما هیچ کدام از نامه‌نگاری‌های اولیه هیچ نتیجه‌ای را برای کارگران به دنبال نداشت و آنها باور پیدا کردند که باید شیوه و مکانیسم مبارزه را تغییر داد. کارگران با تمام وجود این واقعیت را درک کردند که اگر خواسته‌های خود را فقط در گوشه کارخانه مطرح کنند، کسی به دادشان نخواهند رسید. به این ترتیب آنها تصمیم گرفتند فراتر از محیط کار، صدای خود را بلند کنند و با برنامه ریزی دقیق، اعتراضات خود را به خارج از کارخانه انتقال دادند. آنها تجمع‌هایی را در مقابل استانداری، وزارت صنایع و... ترتیب دادند و حتی در روز حضور احمدی نژاد در استادیوم آزادی کرمانشاه، کارگران کفن پوشیده و با نوشتن خواسته‌های خود روی سینه‌های شان، در مقابل او صف کشیدند.

موضوع دیگری که به نظر لازم است اشاره کنم ایناست که شکل و نحوه مبارزه در یک مرکز تولیدی که کاملاً سود ده می‌باشد و به درجه‌ی زیادی در روند انباشت سرمایه در کل نظام سرمایه‌داری در ایران تاثیر گذار است، با شکل مبارزه در مراکز تولیدی بحران زده، کاملاً متفاوت است. این نکته‌ای است که فعالین و نمایندگان کارگری باید بر روی آن متمرکز شوند و با شناخت این موقعیت‌ها، شکل و روند مبارزه را پیش‌روی کارگران بگذارند. سوای این که یک روح کلی بر روند مبارزه کارگری حاکم است، اما در شرایط کنونی باید به این ظرافت‌ها هم پرداخت و در دستور کار گذاشت. در بعضی از مراکز تولیدی، به هر دلیلی از سوی دولت و یا بخش خصوصی، تعطیل می‌شوند و یا اینکه به مرحله‌ای از بحران می‌رسند که مدیریت برای اش دیگر مهم نیست که کارگر دست به اعتصاب بزند، چرا که کارفرمایان گونه‌ها مراکز، خود در صددند تا کارخانه‌شان را تعطیل کنند. با توجه به این مهم، شکل اعتراض در این مراکز بسیار متفاوت می‌باشد. اگر این کارگران تنها در محیط کار دست به تجمع بزنند و یا اینکه فقط به نامه‌نگاری اکتفا کنند و یا در خانه‌های خود بمانند، به جزئی‌ترین خواست‌ها یخود هم نخواهند رسید. به عنوان نمونه کارخانه قند دزفول (در شهر شوش قرار دارد) که داری 300 نفر کارگر بود، به شکلی آگاهانه واگذار گردید و تعطیل شد. کارگران تنها اکتفا به نامه‌نگاری کردند و در نهایت، با حضور در دفتر آقای مکارم شیرازی (وارد کننده انحصاری قند و شکر در ایران) و مطرح کردن خواست‌های خود، اکتفا کردند. این در حالی بود که پیش از این نماینده کارگران در حضور دیگر همکاران خود، به چوب بسته می‌شود و به قول معروف "فلک" شده بود؛ تا جایی که این نماینده به دلیل جراحات وارده تا مدتی در منزل بستری بود. متأسفانه تاکنون کارگران این واحد، حتی نتوانسته‌اند تسویه حساب بابت اخراج و سنوات قانونی خود را دریافت کنند. نمونه دیگر مجتمع نیشکر هفت تپه است. اما با یک تفاوت کاملاً اساسی که کارگران هفت تپه، عرصه مبارزه خود را در سطح شهر شوش انتخاب کرده بودند و همین حضور اعتراضی، به نفع کارگران تمام شد. اگر چه آنها متحمل هزینه‌های سنگینی از جمله بازداشت و اخراج نمایندگان خود شدند، اما در مجموع، نحوه رویکرد و حرکت آنها به گونه‌ای پیش رفت که هم دست به ایجاد تشکل مستقل خود زدند و هم کارخانه‌ای که قرار بود در سال 1386 تعطیل شود را با این شیوه حرکت اعتراضی، به دولت تحمیل کردند و اکنون بیش از 3500 کارگر مشغول به کار هستند. در مورد فرش غرب کرمانشاه هم می‌شود گفت تا حدودی مشمول این قاعده می‌شد و بی‌شک اگر کارگران عرصه مبارزه را تغییر نمی‌دانند، در همان روزهای اول، یعنی در سال 1387 کارخانه بسته می‌شد. اما حضور اعتراضی کارگران در خارج از محیط کار، نه تنها منجر به این شد که کارخانه بازگشایی شود، بلکه این واحد تولیدی، بار دیگر تحت پوشش مدیریت بخش دولتی قرار بگیرد.



س: کارگران فرش غرب کرمانشاه برای دستیابی به خواسته ها و مطالبات خود از چه روش و شکل هایی استفاده می کردند؟ آنها از چه شیوه ی سازمان یابی استفاده می کردند؟

ج: همانطور که اشاره کردم تمام تصمیم ها از پانین گرفته می شد . یعنی به این ترتیب که کارگران نظرات مشورتی خودشان را در جلسه هفتگی مورد بررسی قرار می دادند و ماحصل بحث ها به عنوان دستور کار نمایندگان در می آمد و هیچ نماینده ای بدون اجازه جمعی کارگران کاری را انجام نمی داد. می شود گفت که ساختار دخالتگری جلسات کارگران فرش غرب، کاملاً شورایی بود. هر چند که تشکلی وجود نداشت، اما از مکانیسم مجمع عمومی برای به فعلیت درآوردن مطالبات کارگری استفاده می شد و به این طریق کارگران در ادامه مبارزه اعمال نفوذ می کردند و نمایندگان نیز با شفافیت تمام، دستورات این مجمع را پیش می بردند. در همین جلسات هفتگی بود که چگونگی اعتراض ها و محل تجمع مشخص می شد و هم چنین مصوب کردند که بدون اجازه و کسب نظر از کارگران، اخبار رسانه ای و منتشر نشود. به نظر من این نکته مهمی برای جلوگیری از اشاعه اخبار ناموثق و بزرگ نمایی و یا وارونه کردن خبرها بود. و بالاخره در همین جلسات هفتگی بود که بحث ایجاد تشکل کاری در دستور کار گذاشته شد.

شکل مبارزه و نحوه پیگیری مطالبات به گونه ای بود که فضای کارگری شهر کرمانشاه را تحت تاثیر قرار داده بود تا جایی که برای جلوگیری از ادامه اعتراض و مهار آن، مسئولین استان ناچار شدند که به هر کارگر وام 500 هزار تومانی پرداخت کنند. علاوه بر این کارگران توانستند که بابت بدهی خود از کارفرما، حکم تصرف اموال کارخانه را بگیرند و هم چنین، زمان تعطیلی کارخانه و در حین اعتراض ها، لیست بیمه خود را به سازمان تامین اجتماعی ارسال و بیمه ماهانه خود را منظور کنند. جدا از اینکه که کارگران عرصه مبارزه را در داخل شهر انتخاب کردند، یکی دیگر از مسائلی که باعث ترس عوامل سرمایه شد، انعکاس خبری رویدادها بود که با تصاویر مربوطه منعکس می شد. سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، یکی از سایت هایی بود که آخرین خبرها از وضعیت کارگران فرش غرب را تحت پوشش قرار داده بود و در این ارتباط ما چند مصاحبه صوتی را نیز با نمایندگان انجام دادیم.



س: کارگران فرش غرب به صورت هفتگی و منظم، مجمع عمومی تشکیل می دادند. شما در جلسات این کارگران، حضور داشتید، اگر ممکن است از ساختار و شیوه اداره این مجامع توسط نمایندگان و مباحث مطرح شده، برای خوانندگان ما بیشتر توضیح دهید؟

ج: همان طور که پیشتر گفتیم کارگران فرش غرب هر هفته، روز دوشنبه در مسجد کارخانه جمع می شدند و تصمیم های اصلی در آنجا گرفته و بعدا اجرایی می شد. پروسه کار به این صورت پیش می رفت که اول نمایندگان در رابطه با چگونگی فعالیت و کارهای محوله بحث می کردند و گزارش های خود را از پیگیری کار و نتایج کارهایی که در رابطه با ادارات دولتی صورت می گرفت، ارائه می کردند. در جلساتی نیز فعالینی که در ارتباط نزدیک با کارگران بودند دعوت می شدند و به انتقال تجارب می پرداختند. حضور ما در این جلسات برای افراد و اشخاصی و همچنین خود کارفرما خوش آیند نبود و آنها سعی می کردند با اشاعه دروغ و تهمت از ما چهره های منفوری بسازند که خوشبختانه با وجود ارتباط تنگاتنگی که بوجود آمده بود، خود کارگران به اشکال مختلف از ما به دفاع بر می خواستند. بیشتر بحث های من در حضور کارگران، به انتقال تجارب کارگری، شکل و شیوه مبارزه و ادامه آن، معرفی نهادهای ضد کارگری مانند شورای اسلامی کار و خانه کار و دیگر نهادهای ضد کارگری بود. ما باید انرژی خود را متوجه این قضیه می کردیم که کارگران تنها باید به خود باور داشته باشند و با اتکا به نیروی خود به مبارزه ادامه دهند. باید این نگرش را برای کارگران تشریح می کردیم که فقط به صورت منظم و متشکل و سازمان یافته به مبارزه بپردازند و بحث ایجاد تشکل های مستقل و طبقاتی را مطرح کردیم.

نکته ای دیگری باید اضافه کنم این است که ما معمولاً در جمع کارگرانی حضور پیدا می کردیم که دارای روحیات مذهبی خاص خود بودند. وقتی که من برای اولین بار در مجمع کارگران، جهت ارائه بحث های ام حضور پیدا کردم، آنها با سر دادن صلوات، به نحوی حضور ما را تانید و خوش آمد گفتند. این را به این دلیل بیان کردم تا نشان دهم که کارگران در شرایط کنونی، نه بر اساس ایده های خیرخواهانه افراد و اندیشه های ایده آل، بلکه بر اساس نیازهای واقعی و اولیه خود مانند، به دست آوردن امنیت شغلی و یا دریافت دستمزدهای معوقه و... است که دست به مبارزه می زنند. فصل مشترک ما با دیگر کارگران، همان درد مشترک و طبقاتی است و بحث ما در دفاع از زندگی و حقانیت مادی آنها صورت می گرفت و قطعاً از این زاویه باید ارتباط گرفته می شد. البته طبیعی است که در روند این مبارزه، سطح آگاهی و توقع کارگران بیشتر و بیشتر می شود و در دل همین مبارزات کاملاً اقتصادی است که بخشی از کارگران در خواهند یافت که تنها راه رهایی باید برچیدن مناسبات سرمایه داری باشد و دیگر هر گونه چانه زنی، ره به جایی نخواهد برد و به درستی از طبقه ای در خود به طبقه ای برای خود تبدیل خواهند شد.

س: به نظر شما چه فاکتورهایی باعث شد که کارگران بتوانند کارخانه را بار دیگر راه اندازی کنند و مطالبات دیگر خود را دریافت کنند؟

ج: من می توانم به چند فاکتور اساسی اشاره کنم. اول؛ حضور همه کارگران در حرکت های اعتراضی. دوم؛ رجوع به آرا و تصمیم های جمعی کارگران و به بیان دیگر وجود رویکرد دخالتگر و از پایین کارگران و بحث و تبادل نظر بر سر چگونگی روند مبارزه ؛ سوم و یکی از فاکتور های بسیار مهم، وجود نمایندگانی جسور، فداکار، آگاه و با تجربه بود که از طرف کارگران انتخاب شده بودند. به نظر من نماینده کارگری نقش ویژه ای می تواند داشته باشد، تا جایی که اگر نماینده از خود کارگران نباشد وضعف و سستی نشان دهد، به هر طریق ممکن توسط عوامل سرمایه خریداری شده و نه تنها خود به منافع خاصی می رسد، بلکه می تواند با ترفند های مختلف، اعتراض های کارگری را به کژ راهبکشد. بدون تردید تلاش های صادقانه و فراوان تمامی نمایندگان کارگران فرش غرب کرمانشاه، به خصوص کوروش محمدی و محسن باباکمالی و دیگران، برای پیگیری مطالبات خود و همکاران شان، جای تشکر و قدردانی دارد.

همان طوری که در پاسخ پرسش قبلی نیز گفتم یکی دیگر از دلایل مهم موفقیت کارگران، کشاندن عرصه مبارزه خود به سطح شهر و در مقابل نهادهای دولتی و در انظار عموم بود و این اقدام باعث ترس حامیان سرمایه داری می شد. به همین دلیل برای جلوگیری از گسترش این روحیه اعتراضی به دیگر مراکز کارگری، ناچار می شدند به خواسته های کارگران رسیدگی کنند. علاوه بر این موارد، اطلاع رسانی درست و به موقع نیز نقش مهمی ایفا کرد تا جایی که اگر روند اعتراض های کارگران فرش غرب ادامه پیدا می کرد، مطالبات و خواسته های آنها نیز مانند کارگران نیشکر هفت تپه به سطح افکار عمومی دیگر کشورها منتقل می شد.

و بالاخره این که حضور فعالین کارگری و تشکل هایی با رویکرد کاملاً طبقاتی و داشتن نگاهی ضد سرمایه داری، مانند کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، در کنار چنین کارگرانی اهمیت بسزایی دارد. چرا که این فعالین و تشکل ها، باور به نیروی طبقاتی کارگران در امر مبارزه را در دستور دارند و می توانند در نگاه، نگرش و رویکرد کارگران معترض تاثیر گذار باشند. وجود نیروهای آگاه به مسائل جنبش کارگری در جمع کارگران کاملاً ضروری و نتیجه بخش است و درست به همان اندازه حضور افراد و گرایش های راست و رفرمیستی در جمع کارگران مضر می باشد و باعث شکست و منحرف شدن خواسته ها و مطالبات کارگران می شود.

س: یکی از خواسته های مهم کارگران بازگشت به کار بود و شعار " کار جز لاینفک زندگی است و هیچ کس حق گرفتن آن را ندارد" را کارگران فرش غرب کرمانشاه به درستی و با تمام وجود درک کرده و آن را سر لوحه خواسته های خود قرار داده بودند، نظر شما در باره این خواسته و اهمیت آن در شرایط کنونی چیست؟



ج: بازگشت به کار همواره یکی از خواسته های اساسی کارگران ایران بوده که در برابر تعدیل نیرو و اخراج های دسته جمعی، طرح کرده اند. شاغلین مراکز کارگری باید تلاش کنند که در مقابل انواع ترفندهای سرمایه داران، به خواسته بازگشت به کار پافشاری نمایند، چرا که بیکاری، مترادف با انواع مشکلات و ناسامانی های اجتماعی است.

بنا به تعریف، مهمترین بعد وجودی انسان، کار و قدرت تولید گری انسان است و کار جزء لاینفک همه انسانها است. به تعبیری دیگر کارگر با کارش کاملا بیگانه می شود و کار به مثابه یک امر بیرونی بر او تحمیل خواهد شد و بعد انسانی و خلاق آن در نظام سرمایه داری، بی مفهوم می باشد. در نظام سرمایه داری آنچه که تولید می شود به معنای واقعی در خدمت رفاه عمومی قرار نمی گیرد. فقط در جامعه آزاد و برابر و فارغ از مالکیت خصوصی می شود به این از خود بیگانگی پایان داد و به معنای واقعی کلمه " کار جز لاینفک زندگی " باشد و آنچه تولید می شود در خدمت رفاه و آسایش جامعه بشری قرار گیرد.

س: برگردیم به خبرهای روز کارخانه فرش غرب کرمانشاه. اواخر ماه گذشته، حدود 80 نفر از کارگران قراردادی به دلیل تحریم اقتصادی و رکود تولید، اخراج شده اند و بار دیگر خطر اخراج دسته جمعی، دیگر کارگران را تهدید می کند. ارزیابی شما از این موضوع چیست و چه رهنمود و راه کارهایی برای کارگران فرش غرب برای مقابله با این دور اخراج ها توسط مدیریت کارخانه دارید؟

ج: ابتدا باید اشاره کنم که آنچه امروز در برابر چشم همه مردم دنیا اتفاق می افتد، شرایط کاملا متفاوتی بوده و بحران سرمایه داری در ابعادی جهانی، عمیق تر شده است. در ایران نیز تورم سرسام آور، حذف سوبسید ها، عدم امنیت شغلی، بیکاری وسیع و فقر روزافزون سایه خودش را در جامعه، انداخته است که این به نحوی باعث نگرانی و ترس از آینده شده است. از سوی دیگر خیزش های عمومی توده های مردم در دفاع از نان و آزادی در بسیاری از کشورها، "جنبش وال استریت را اشغال کنیم" و حضور میلیونی کارگران در دیگر کشورها در اعتراض به اجرایی شدن برنامه ریاضت اقتصادی و شرایط بد معیشتی نیز باعث تقویت روحیه توده های کارگر شده است.

اما آنچه که امروز ما در فرش غرب کرمانشاه مشاهده می کنیم، روندی بود که کارگران در سال 87 با اعتراض خود، اخراج سازی و بستن کارخانه را به تعویق انداختند. بدون شک زیاد دور از انتظاریست که روند اخراج سازی تا تعطیلی کارخانه ادامه یابد. به نظر من در شرایط کنونی اساسی ترین اقدامی که خود کارگران فرش کرمانشاه می توانند انجام دهند تشکیل جلسه است. کارگران تجربه برگزاری مجامع را در سال 87 و 88 را به یاد دارند و باید این شیوه را ادامه یابد و از این طریق بتوانند نیروی خود را سازماندهی کنند. اما چیزی که شاید متفاوت باشد این است که امروز این کارگران اخراجی به راحتی نتوانند در کارخانه حضور یابند و در آنجا جلسه برگزار کنند، که به نظر من می شود در خارج از محیط کار، این جلسات را پیش برد. برای شروع چند نفر از کارگرانی می توانند بطور موقت سازماندهی را بر عهده بگیرند و بتوانند با دیگر کارگران تماس بگیرند و مکان مناسبی برای جلسات پیدا کنند. علاوه بر این می شود که کارگران را در دسته های چند ده نفری گروه بندی کرد و هر روز با تعدادی مشخص تشکیل جلسه داشته باشند. هم چنین کارگران اخراجی هنگام تجمع خود در مراکز ماند اداره کار کرمانشاه، می توانند ضمن پیش بردن اعتراض های خود، در آنجا برنامه ریزی کنند. روش ها و ایده های متفاوتی را می شود برای جمع شدن گفتگو، جستجو کرد، اما یک مسئله مهم و حیاتی این است که باید کارگران اخراجی بتوانند با کارگران و همکاران خود که فعلا در کارخانه مشغول به کار هستند، ارتباط بگیرند و آنها را متوجه تبعات این اقدام کنند که سیاست مدیریت بستن کارخانه است و برای جلوگیری از اعتراض همگانی و متشکل کارگران، آنها را دسته دسته و با فاصله از یکدیگر اخراج می کنند. ما باید بتوانیم سیاست آنها را بر ملا کنیم و کاری کنیم که کارگران شاغل به اخراج همکاران خود اعتراض کنند.

امروز تعداد بیشتری از مراکز تولیدی با چنین مشکلی روبرو هستند و این می تواند در صورت ارتباط ارگانیک، مسیر مبارزه را تغییر دهد. ضروری است که کارگران فرش غرب با دیگر مراکز تولیدی کرمانشاه و حتی شهرهای دیگر که سرنوشت مشابهی دارند، ارتباط بگیرند و به مانند گذشته بتوانند جلسات هفتگی خود را برقرار کنند و با انتخاب نماینده بصورت منظم، فعالیت اعتراضی خود را شروع کنند. حتی می شود دست به ایجاد تشکل کارگران بیکار و اخراجی بزنند تا بتوانند به صورت متشکل و با برنامه، اعتراضات خود را سازماندهی کنند. به نظر من کارگران فرش غرب کرمانشاه دارای تجارب خوبی در این زمینه هستند. کارگران اخراجی امروز باید برای شان مشخص شده باشد

که کارفرمایان و تمامی صاحبان سرمایه، به هر نیرنگی متوسل خواهند شد که کارگران متحد نشوند و با عوامل خود، در بین کارگران تفرقه ایجاد کنند. از این بابت کارگران باید با هوشیاری تمام عمل کنند و با پیگیریخواست ها و مطالبات خود، توطئه آنها را با شکست روبرو کنند. هم چنین کارگران اخراجی می توانند خانواده های خود را در تجمع های اعتراضی به همراه خود داشته باشند. حضور همسران و فرزندان کارگری و حتی دیگر بستگان می تواند توان قدرت و مانور اعتراضی کارگران را بیشتر کند. به نظر من همه این اقدام ها، عملی است؛ چرا که کارگر اخراج شده، دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد.

همان طوری که بالاتر گفتم نقش فعالین جنبش کارگری در مبارزات کارگران بسیار تعیین کننده است. فعالینی که دارای تجاربی غنی بوده و با رویکردی آگاهانه، دورنمای مبارزاتی را تحلیل می کنند، این توان را دارند که هم منافع آبی و فوری کارگران را مد نظر بگیرند و هم با ارائه راه کارهای مناسب، افق روشنی را برای کارگران ترسیم کنند. در این فضا می شود بیشتر از گذشته رویکرد ضد سرمایه داری را تقویت کرد و ثابت کرد که عامل تمامی مصائب و بدبختی ها، مناسبات کنونی می باشد. باید در حین ادامه روند مبارزه جهت کسب مطالبات، این اندیشه تقویت شود که در نهایت باید به مقابله با نظام سرمایه داری رفت. چرا که بهترین و قوی ترین چانه زنی ها و کسب مطالبات حداقلی، موقت و زود گذر بوده و این زندگی سخت و پر از رنج و مرارت، به شیوه ای دیگر از جانب صاحبان سرمایه دوباره نمود عینی اش را در زندگی طبقه کارگر نمایان خواهد کرد.

یقیناً تمامی کارگران شاغل باید به این امر آگاه شوند که کارفرمایان با اخراج تعدادی از کارگران می خواهد توان و نیروی کارگران را تضعیف کند و به این وسیله، نه تنها باعث تفرقه خواهد شد، بلکه با ایجاد توهم و ایجاد فضای ترس، کاری می کند که کارگران در حمایت از کارگران اخراجی دست به اعتراض نزنند. اما کارگران فرش غرب باید بدانند که اخراج هر نفر، یعنی زمینه اخراج نفر بعدی، تا جایی که در مدتی کوتاه، تمامی کارگران اخراج خواهند شد. برای جلوگیری از اخراج و رسیدن به خواست ها باید اعتراض کرد. اما هر اعتراضی در عین خوب و مفید بودن نمی تواند ما را به سرمنزل مقصود برساند، بلکه اعتراضی که سازماندهی شده و با برنامه و هماهنگی صورت گیرد، میتواند ما را به نتایج دلخواه برساند. به بیان دیگر، باید کارگر متشکل و آگاهانه وارد کارزار مبارزه شود. ایجاد تشکل در محل کارو یا با توجه به شرایط خاص، ایجاد تشکل در محل زندگی می تواند قدرت ما را بیشتر کند. باید بتوان با توجه به بحران اقتصادی، سیاسی حاکم بر نظام سرمایه داری ایران، از ظرفیت های طبقاتی کارگران استفاده کرد. بدست آوردن هر دستاوردی به نیروی اعتراض کارگران، سکو و محل پرشی برای گام های بعدی خواهد بود. به قول کوروش محمدی، کارگر باید با آگاهی کارها را پیش ببرد و یا طبق گفته محسن باباکمالی، بزرگترین پشتوانه یک کارگر که بتواند از آن استفاده کند، نیروی خود کارگران است.

در یک کلام باید متشکل شد. باید با برنامه ریزی و آگاهی طبقاتی، مطالبات خود را پیگیری کنیم.

س: ممنون از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید؟ ما سوال دیگری نداریم، اگر صحبت خاصی دارید، بفرمایید؟

ج: من هم از شما بسیار متشکرم. نکته ای که شاید لازم باشد تاکید دوباره ای بر آن داشته باشم، این است که نظام سرمایه داری بیشتر از هر زمان دیگری دچار بحران شده است. فعالین برابری طلب و رادیکال جنبش کارگری باید با شناخت این وضعیت، بیشتر از گذشته امر سازماندهی و سازمانیابی طبقاتی را در دستور کار خود بگذارند. شاید این یک فرصت تاریخی برای جنبش کارگری ایران باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری